



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی

عنوان:

" مقایسه میزان تفاوت رشد خلاقیت کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده و ندیده در زمینه خلاقیت بین کودکان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ "

استاد راهنما

جناب آقای دکتر علیرضا عصاره

استاد مشاور

جناب آقای دکتر حسن ملکی

استاد داور

جناب آقای دکتر حمید رحیمیان

پژوهشگر

زهرا افشارکهن

سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و تشکر:

خدایا همین عزت و فخر مرا بس که خدایی چون تو دارم که حضورت التیام همه آلام است و سپاس بیکران تو را که در مسیر آموختن یاریم کردی تا برای همیشه لذت آموختن را حس کنم و به مضمضه نشینم فرصت تلمذ و حلاوت یادگیری از اساتیدی که شهد کلامشان، راه و رسم زندگی و بندگی است.

میستایم اندیشه و نگاه استاد ارجمندم جناب آقای دکتر علیرضا عصاره که نه تنها راهنمای این اثر که مشعلی فراوی فراز و فرودهای حیاتند و با زحمات ستودنی و ارشادات گهربار ایشان این پژوهش حرفی برای گفتن یافت. تقدیر و تشکر ویژه دارم از استاد محترم جناب آقای دکتر حسن ملکی از اساتید به نام و صاحب نظران عرصه برنامه درسی، که در امر مشاوره این اثر قبول زحمت فرموده و همراهیم نمودند و نیز از استاد گرامی جناب آقای دکتر حمید رحیمیان مدیر گروه محترم گروه برنامه ریزی درسی که در امر داوری اینجانب قبول زحمت فرمودند و تشکر و سپاس از همه ی اساتید بزرگوار رشته برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبایی که هر زمان سراغشان رفتم با چهره باز و صمیمیتی دلنشین، رهنمود های ارزندهشان را از این حقیر دریغ نفرمودند. حق همواره یار و نگهدارشان. بر خود فرض و واجب میدانم از زحمات اساتید گرامی آقایان : دکتر سبحانی معاونت محترم سازمان سما، مدرسی، جلایری و وحید حسینی در معاونت سازمان سما شهرهای مشهد، بیرجند و بجنورد، یوسفی و حاجی رضایی از مدرسان خلاقیت و سرکار خانم جبلی، کارشناس محترم خلاقیت و خانم نظری ، که در مراحل اجرایی این پژوهش دلسوزانه و بزرگووارانه یار و مددکارم بودند کمال تشکر و امتنان را داشته باشم و از مدیران محترم مدارس سما و امام حسین علیه السلام و شاهد دخترانه و پسرانه همه عزیزانی که در انجام این کار متحمل زحمت شدند تشکر میکنم و امیدوارم زندگی به من فرصت جبران این زحمات را بدهد. دعای خیرم بدرقه راهشان.

چکیده

این پژوهش با عنوان "مقایسه میزان تفاوت رشد خلاقیت کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده و ندیده در زمینه خلاقیت بین کودکان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸"، انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل تمام کودکان پایه اول ابتدایی استان خراسان که در سال ۸۹-۸۸ در این پایه اشتغال به تحصیل داشتند، بود که ۱۸۰ نفر آنان به تفکیک جنسیت (۹۰ نفر گروه آزمایش و ۹۰ نفر گروه کنترل)، از ۱۲ مدرسه در سه مرکز استان (شهرهای بجنورد، مشهد و بیرجند)، که به ترتیب مراکز استان های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی را تشکیل می دادند، (از هر شهر ۶۰ نفر از ۴ مدرسه و از هر مدرسه یک کلاس و از هر کلاس ۱۵ نفر) به شیوه نمونه گیری خوشه ای تصادفی، انتخاب شدند. ابزار این پژوهش فرم ب آزمون خلاقیت تصویری تورنس بود که در دو مرحله ی پیش آزمون (در مهر ماه ۸۸) و پس آزمون (در آذر ماه ۸۸) بر روی آنان اجرا گردید. گروه آزمایش شامل شاگردان آن دسته از معلمان بودند که توسط سازمان سما، در یک دوره ۲۴ ساعته طی سه روز آموزش خلاقیت دیده بودند و گروه گواه یا کنترل در برگیرنده شاگردان آن دسته از معلمان بودند که آموزشی در راستای خلاقیت ندیده بودند و هدف از پژوهش مقایسه این دو گروه به لحاظ بررسی تأثیر آموزش خلاقیت به معلم بر روی روند و میزان رشد سطح خلاقیت کودکان تحت تعلیم معلم آموزش دیده در زمینه خلاقیت در مقایسه با کودکانی که معلمانشان در این زمینه آموزشی ندیده بودند، صورت پذیرفت. داده های این پژوهش، با بهره گیری از آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از دو گروهی مستقل، بررسی و مقایسه میانگین ها، تفاوت معناداری را در سطح اطمینان ۹۹٪، در کلیه فرضیه آروش های پژوهش، نشان داد. یعنی با ۹۹٪ در صد اطمینان و در سطح آلفای ۱٪ می توان گفت: میزان رشد خلاقیت کودکان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸، که تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت بوده اند، نسبت به کودکانی که معلمانشان در این زمینه آموزشی ندیده اند، بیشتر است که به لحاظ آماری این تفاوت معنادار می باشد.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول _ کلیات پژوهش

۲مقدمه
۳بیان مسأله
۴اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق
۶اهداف پژوهش
۷فرضیه های تحقیق
۷تعاریف نظری و عملیاتی پژوهش

فصل دوم _ ادبیات و پیشینه پژوهش

۱۱مقدمه
۱۲خلاقیت چیست؟
۱۶مکاتب و نظریه های خلاقیت
۲۰دیدگاه ها درباره خلاقیت
۲۳ابعاد خلاقیت
۲۷اجزاء متشکله خلاقیت
۲۸ویژگی های افراد خلاق

۳۰ویژگی های دانش آموزان خلاق در کلاس درس
۳۱اهمیت و ضرورت پرورش خلاقیت
۳۳اهمیت و ضرورت خلاقیت در برنامه درسی
۳۷اصول پرورش تفکر خلاق و انتقادی در کلاس درس
۳۸پرورش خلاقیت (اصول ، فرآیند ، روش ها)
۵۵عوامل و موانع خلاقیت
۵۶نقش معلم در پرورش خلاقیت
۶۰آموزش خلاقیت با تأکید بر دوره ابتدایی
۶۱اهداف آموزش و پرورش در دوره ابتدایی
۶۲نقش و وظایف دبستان
۶۳خصوصیات کودکان دبستانی (۶ تا ۹ سال)
۶۴پیشینه تحقیق در داخل و خارج از کشور
۷۱بحث و نتیجه گیری
فصل سوم _ روش شناسی یا متدولوژی	
۷۶مقدمه
۷۶طرح پژوهش
۷۷متغیرهای تحقیق

۷۷جامعه و نمونه آماری و روش نمونه گیری
۷۷ابزار پژوهش
۷۸فرم های آزمون خلاقیت تصویری تورنس
۷۸اعتبار محتوا در آزمون خلاقیت تورنس
۷۹پایایی آزمون تفکر خلاق تورنس
۷۹روایی و پایایی آزمون
۷۹روش اجرای پژوهش
۸۰روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم _ تحلیل داده ها

۸۲مقدمه
۸۲تجزیه و تحلیل داده ها
۸۲فرضیه اصلی تحقیق
۸۴فرضیه های فرعی

فصل پنجم _ بحث و نتیجه گیری

۹۲مقدمه
۹۲بحث و نتیجه گیری
۹۷پیشنهاد های کاربردی
۹۹پیشنهاد هایی برای پژوهش های بعدی

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۸۴	شکل ۱-۴ ، نمودار میانگین خلاقیت.....
۸۵	شکل ۲-۴، نمودار ستونی میزان خلاقیت (اصالت).....
۸۷	شکل ۳-۴، نمودار ستونی میانگین خلاقیت (انعطاف پذیری).....
۸۸	شکل ۳-۴، نمودار ستونی میانگین سیالی.....
۹۰	شکل ۵-۴، نمودار ستونی میانگین بسط.....

فهرست جدولها

صفحه	عنوان
۸۲	جدول ۱-۴ : آماره های توصیفی خلاقیت.....
۸۳T	مستقل (آماره های استنباطی خلاقیت).....
۸۴	جدول ۳-۴ : آماره های توصیفی مؤلفه اصالت.....
۸۵t	(آماره های استنباطی اصالت).....
۸۶	جدول ۵-۴ : آماره های توصیفی مؤلفه انعطاف پذیری.....
۸۶t	(آماره های استنباطی انعطاف پذیری).....
۸۷	جدول ۷-۴ : آماره های توصیفی مؤلفه سیالی.....
۸۸t	(آماره های استنباطی سیالی).....
۸۹	جدول ۹-۴ : آماره های توصیفی مؤلفه بسط.....
۸۹t	(آماره های استنباطی بسط).....
۱۰-۴	نتیجه آزمون

فصل اول

کلیات پژوهش

چکیده

این پژوهش با عنوان "مقایسه میزان تفاوت رشد خلاقیت کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده و ندیده در زمینه خلاقیت بین کودکان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹"، انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل تمام کودکان پایه اول ابتدایی استان خراسان که در سال ۸۸-۸۹ در این پایه اشتغال به تحصیل داشتند، بود که ۱۸۰ نفر آنان به تفکیک جنسیت (۹۰ نفر گروه آزمایش و ۹۰ نفر گروه کنترل)، از ۱۲ مدرسه در سه مرکز استان (شهرهای بجنورد، مشهد و بیرجند)، که به ترتیب مراکز استان های خراسان شمالی، رضوی و جنوبی را تشکیل می دادند، (از هر شهر ۶۰ نفر از ۴ مدرسه و از هر مدرسه یک کلاس و از هر کلاس ۱۵ نفر) به شیوه ی نمونه گیری خوشه ای تصادفی، انتخاب شدند. ابزار این پژوهش فرم ب آزمون خلاقیت تصویری تورنس بود که در دو مرحله ی پیش آزمون (در مهر ماه ۸۸) و پس آزمون (در آذر ماه ۸۸) بر روی آنان اجرا گردید. گروه آزمایش شامل شاگردان آن دسته از معلمانی بودند که توسط سازمان سما، در یک دوره ۲۴ ساعته طی سه روز آموزش خلاقیت دیده بودند و گروه گواه یا کنترل در برگیرنده شاگردان آن دسته از معلمانی بودند که آموزشی در راستای خلاقیت ندیده بودند و هدف از پژوهش مقایسه این دو گروه به لحاظ بررسی تأثیر آموزش خلاقیت به معلم بر روی روند و میزان رشد سطح خلاقیت کودکان تحت تعلیم معلم آموزش دیده در زمینه خلاقیت در مقایسه با کودکانی که معلمانشان در این زمینه آموزشی ندیده بودند، صورت پذیرفت. داده های این پژوهش، با بهره گیری از آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از روش t دو گروهی مستقل، بررسی و مقایسه میانگین ها، تفاوت معناداری را در سطح اطمینان ۹۹٪، در کلیه فرضیه های پژوهش، نشان داد. یعنی با ۹۹٪ در صد اطمینان و در سطح آلفای ۱٪ می توان گفت: میزان رشد خلاقیت کودکان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹، که تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت بوده اند، نسبت به کودکانی که معلمانشان در این زمینه آموزشی ندیده اند، بیشتر است که به لحاظ آماری این تفاوت معنادار می باشد.

مقدمه

دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، به سرعت در حال تغییر است و در این زمان، تفکر خلاق کلیدی است که امکان مواجهه با مشکلات، تطبیق و در نهایت موفقیت را برای ما فراهم می‌سازد. در حل خلاق مسئله انسان تمام توانایی مغزی خود را به کار می‌گیرد (لامزدین و لامزدین^۱، ترجمه ارباب شیرانی و نصر آزادانی، ۱۳۸۶) و از آنجا که یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان در میان تمامی موجودات زمین برخوردار از نیروی تفکر و مسئولیت ناشی از آن است؛ بررسی جنبه‌های مختلف فکر و شیوه‌های فعال و خلاق کردن تفکر و تقویت قدرت نقد و درک دقیق و واقع بینانه، از موضوعات مهمی است که انسان‌ها برای کشف حقیقت و پیروی از آن؛ باید بیاموزند و به کار گیرند. (شریعتمداری، ۱۳۸۲).

اکنون چند دهه است که "خلاقیت" به عنوان یکی از توانایی‌های ذهن انسان مورد توجه اندیشمندان علوم بشری قرار گرفته است. والاس (۱۹۲۶)، در دهه سوم با نگرش فرآیندی به تفکر خلاق، مراحل آن را بیان کرد؛ گیلفورد نخستین کسی بود که با دیدگاه جدید در آغاز دهه پنجم، نگرش علمی به خلاقیت را گسترش داده آن را در ساختار هوش انسان به طور اخص مورد مطالعه قرار داد. پس از این حرکت آغازین، پژوهش‌های بیشتری روی خلاقیت آغاز شد. تورنس در دهه شصت، آزمون‌های مشهور خود را تدوین و ارائه نمود (به نقل از کریمی نیا، ۱۳۸۳). بیه راستی آیا بدون خلاقیت^۲ و نوآوری^۳، جهان پیشرفته امروز در جایگاه کنونی خود قرار می‌گرفت؟ بدون شک پیشرفت‌های جدید در عرصه زندگی بشر از طریق خلاقیت و نوآوری حاصل شده است و از آنجا که آموزش و پرورش یکی از عوامل اساسی به وجود آورنده تفکر خلاق است و بیشتر کوشش آن مصروف بار آوردن انسان‌های خلاق و مبتکر می‌شود و هر گاه مردم فرصت بیان اندیشه‌های خود را بیابند و در تصمیمی که بر سرنوشت آنان اثر می‌گذارد، شریک شوند، نوآفرینی بیشتری از خود نشان داده و مسئولیت بیشتری را می‌پذیرند؛ (کیمبل و ایزن^۴، ۱۳۸۱، ترجمه طوسی) بذل عنایت ویژه به آموزش و پرورش بخصوص از اوان کودکی در پرورش خلاقیت کودکان حائز اهمیت است.

از نظر یونسکو (۲۰۰۱) دوره آموزش ابتدایی دارای اهمیت بسیاری است. در بسیاری از کشورها، برنامه آموزش ابتدایی محور تحول اساسی در امر آموزش است. با اهمیت دادن به ابع — ادی چون نگرش‌ها، ارزش‌ها و امنیت در مدرسه می‌توان در روند رشد خلاقیت تأثیر گذاشت. ایجاد یک فضای امن برای کودکان در محیط‌های آموزشی و همچنین درک توانایی‌ها و استعداد‌های آنان از طریق به کار بردن روش‌هایی مانند تحقیق و پژوهش و پروژه‌هایی که استقلال یادگیری را در آنان تشویق می‌کند، می‌تواند محرکی برای توانایی خلاق کودکان باشد (عابدی، ۱۳۷۲).

^۱ . Lamezdin & . Lamezdin

^۲ . Creativity

^۳ . Innovation

^۴ . Kimble Vise

بنابراین؛ خلاقیت یکی از پیچیده ترین فعالیت های ذهن بشر است که تعلیم و تربیت نیز باید بدان توجه کند. هدف از یک برنامه آموزشی خلاق این نیست که دانش آموزان همگی چون انیشتین، پاستور و ... به اختراعات پیچیده و دستاوردهای علمی جهان شمول دست یابند بلکه هدف این است که بتوانند بی واهمه مسائل پیش روی خود را به بهترین نحو ممکن حل کنند (زکی پور لنگرودی، ۱۳۸۷).

یافته های بسیاری از پژوهش ها و دستاوردهای علمی نشان می دهد که خلاقیت را می توان هم آموزش و هم پرورش داد و نقش خطیر معلم در کلاس درس در جهت پرورش و شکوفایی استعداد های خلاقیتی دانش آموزان واقعی مسلم است. بنابراین باید دید آیا نگرش معلم به خلاقیت و میزان خلاقیت خود او بر میزان رشد و افزایش خلاقیت دانش آموزان اثرگذار خواهد بود یا نه؟ و این موضوعی است که در پژوهش حاضر به بررسی آن پرداخته ایم. علاوه بر آن در این فصل از تحقیق به بیان و تشریح موضوع پژوهش، ضرورت و اهمیت آن، اهداف کلی و جزئی و فرضیه های تحقیق اشاره شده و در انتهای فصل اول، تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای مورد نظر در پژوهش بیان گردیده است.

بیان مسأله

پژوهش های انجام شده در زمینه ی آموزش دهی خلاقیت، عمدتاً به این نتیجه رسیده است که خلاقیت را هم می توان آموزش و هم پرورش داد. (آما بلی، ترزا. ترجمه قاسم زاده و عظیمی، ۱۳۸۶)؛ مسأله توسعه خلاقیت در نظام آموزش رسمی بیشتر از این جهت حائز توجه است که بر اساس پژوهش ها دریافته ایم که در ابتدا، ابتدکار و خلاقیت در اغلب کودکان مشاهده می شود ولی منحنی تحول آن در حدود ۱۰ سالگی افت می کند و سیر نزولی می یابد که نتیجه آن فقدان علاقه به یادگیری و افزایش مشکلات رفتاری و انگیزشی است. به قول تورنس، عدم بروز بیشتر این توانایی های عمومی به نامناسب بودن روش های تعلیم و تربیت مربوط می شود (به نقل از کریمی نیا، ۱۳۸۳).

خلاقیت از دیدگاه صاحب نظرانی چون گیلغورد و تورنس، دارای ۴ مؤلفه ی : اصالت (توانایی تفکر با شیوه ی غیرمتداول و خلاف عادت رایج)؛ انعطاف پذیری (توانایی تفکر با راه های مختلف برای حل مسئله جدید)؛ سیالی (کمیت پاسخ های فرد به یک مسئله) و بسط (توجه به جزئیات موضوع) می باشد که در پژوهش حاضر با توجه به اهمیت پرورش خلاقیت در دوران کودکی و نقش عمده ی عوامل تأثیر گذار نظام آموزشی بر رشد و افزایش خلاقیت و به ویژه حساسیت جایگاه معلم به عنوان گرداننده اصلی صحنه تعلیم و تربیت دانش آموز، می خواهیم بدانیم چنان چه معلم آموزش های خاصی در زمینه خلاقیت ببیند، آیا این آموزش ها تأثیری بر روند رشد خلاقیت در دانش آموزان تحت تعلیم وی در چهار مؤلفه ی فوق الذکر خواهد گزارد یا نه؟، یکی از نهادهایی که طی سال های اخیر دوره های آموزشی خلاقیت را برای معلمان برگزار نموده است، مدارس سما وابسته به معاونت دانشگاه آزاد اسلامی می باشد که به لحاظ

تناسب با موضوع پژوهش و زادگاه پژوهشگر، تحقیق بر روی بررسی تأثیر آموزش های انجام شده در منطقه ۹ این مدارس؛ صورت گرفته و از آنجا که تا کنون پژوهش عملی در زمینه بررسی تأثیر این آموزش ها بر میزان رشد خلاقیت دانش آموزان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت در مقایسه با دانش آموزان تحت تعلیم معلمانی که آموزشی در این زمینه ندیده اند، انجام نگرفته است؛ این پژوهش برای نخستین بار به بررسی این موضوع تحت عنوان: "مقایسه میزان تفاوت رشد خلاقیت کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده و ندیده در زمینه خلاقیت، بین کودکان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۸-۸۹"؛ پرداخته است.

اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

خلاقیت فرآیندی است که انسان را پویا، فعال و زنده نگاه می دارد و قادر می سازد تا از امکانات پیرامون خود در جهت بقا و رشد و تکامل خود استفاده کند. حیات روانی آدمی، وابسته به و گره خورده با خلاقیت است. نباید تصور کرد که خلاقیت منحصر به افراد تیزهوش یا بااستعداد است، به واسطه ی خلاقیت است که ذهن ها باز و استعدادها شکوفا می شود (امیر حسینی، ۱۳۸۴).
همان گونه که گفته شد، همه ی انسان ها ذاتاً از خلاقیت برخوردار هستند و لیکن آموزش و پرورش نیز در ظهور و رشد آن تأثیر فراوانی دارد. خلاقیت برای شکوفایی، نیازمند توجه و سیاست گذاری آموزشی و تربیتی نظام تعلیم و تربیت است. از طرف دیگر آموزش و پرورش به مثابه کلید و محور

سعادت بشر، نیازمند مغزهای متفکر و ابداع کنندگان روش های نو برای حل مشکل جامعه ی انسانی است که گردانندگان آن را نظام آموزشی، تربیت می کند (امیر حسینی، ۱۳۸۴).
لذا چنان چه در این پژوهش و سایر پژوهش ها با محوریت تأثیر معلم خلاق در رشد و پرورش خلاقیت دانش آموزان، ثابت شود که این خلاقیت، در آموزش و پرورش و رشد خلاقیت در کودکان، اثر مثبتی دارد و با توجه به تحقیقات انجام یافته که بیانگر این واقعیتند که خلاقیت در وجود کودک موج می زند، آموزش خلاقیت به معلم و فراگیر نمودن آن در برنامه های درسی مدارس می تواند به عنوان مسأله بسیار خطیر و ارزشمندی طرح گردد که موج خلاقیت بی بدیلی را در کودکان به ویژه در مقطع ابتدایی و آموزش عمومی، احیاء کند تا در حل مشکلات امروز خویش و مسائل آتی اجتماع با افکاری باز، روشن و متفاوت با رویه های معمول پیشین، اظهار نظر نمایند و راهکارهای نوین و اندیشمندانه ای در جهت کمک به حل معضلات جامعه ارائه نمایند.

" تافلر^۱ معتقد است؛ تمدن بشری تا کنون سه موج را شاهد بوده است. موج اول مربوط به دوران کشاورزی است که هزاران سال طول کشید. موج دوم با انقلاب صنعتی در قرن هفدهم به وجود آمد. اما از نیمه دوم قرن بیستم ما وارد عصر فرا صنعت گردیده ایم که موج سوم است که از خلاقانه ترین نوسازی های تمام این دوران است. انسان ها، در موج اول تفکری محدود و کوتاه داشتند زیرا به زمین وابسته بودند اما در موج دوم با گسترش تحرک و ارتباطات، افق های ذهنی گسترش بیشتری یافتند. پیشرفت های فن آوری تمدنی دیگر را ایجاد نمود که می توان به آن موج سوم اطلاق کرد. ماده ی خام تمدن موج سوم اطلاعات و تخیل است و خلاقیت یکی از مشخصه ها و نتایج طبیعی موج سوم است. خلاقیت مهمترین پیش برنده ی موج دوم به سوم است. کشورهای موج اول می توانند بدون آن که از موج دوم عبور کنند و یا از مسایل فرهنگی خود کاملاً چشم پوشی کنند، موج سوم می شوند. اگر با کمک خلاقیت مردمشان موفق به ترکیب فن آوری های پیشرفته با تمدن موج اول خود شوند، می توانند به توسعه اقتصادی، فرهنگی اجتماعی نائل گردند؛ لذا خلاقیت به خصوص در این جوامع شرط جدی بقا و ادامه حیات است" (به نقل از حسینی، ۱۳۸۷)

و حال که چنین است چه دورانی بهتر از دوران کودکی و چه عنصری کلیدی تر از معلم که بتواند اندیشه ساز نو اندیشان فردا باشد؟" بنابراین امروزه از دست اندرکاران آموزش و پرورش به ویژه در مقطع دبستان انتظار می رود که کودکان را برای موفقیت های تحصیلی در مدرسه آماده کنند، آنان را افرادی اجتماعی بار بیاورند تا برای سازگاری با جوامع فرهنگی و متنوع خود را مهیا سازند. به آنان یاد بدهند تا بر محرومیت های محیطی فائق آیند و سرانجام این که استعداد خود را برای رو به رو شدن با موقعیت های مختلف و روش حل مسأله به کارگیرند تا انسان هایی خلاق پرورش دهند (مفیدی، ۱۳۸۳، ص ۶ تا ۸) و به قول کلودیا، جسی، دادسون^۲ که می گوید: " من قویاً بر این باورم که تدریس یکی از مهمترین شغل ها در دنیاست" (دادسون، ترجمه کرمی، ۱۳۸۲)؛ در این میان: " نقش مربی در حیات تربیتی کودکان از مهمترین عناصر یک برنامه مناسب و مطلوب است و کیفیت آموزش کودکان به وجود معلمان و مربیان کارآمد، مؤثر و آگاه بستگی تام دارد" (مفیدی، ۱۳۸۳).

پس اگر ما بخواهیم کودکانی سرآمد و خلاق پرورش دهیم بایستی نظام آموزشی، عوامل تأثیر گذار در این زمینه را شناسایی و برای آموزش راهکارهایی که منتهی به افزایش و توسعه نگرش خلاقیتی بدانان می گردد، برنامه ریزی کند و یکی از مهمترین عناصر شناخته شده که ارتباط بلافصلی با دانش آموز و پرورش استعدادهای مختلف وی دارد، معلم است و فرض بر این است که اگر معلم با نگرشی نوین و خلاق و مجهز به ابزارها و تکنیک های خلاقیتی، قدم به صحنه ی آموزش گذارد، طبیعتاً دانش آموزانی توانمند و خلاق و دارای اندیشه ی نو برای مواجهه خردمندانه با زندگی و حل مسائل دنیای بشری به

^۱ . Toffler

^۲ . Claudia J. Dodson

اجتماع تحویل خواهد داد، انسان هایی که از رویارویی با مسائل نهراسند، به راه های متفاوت و تازه برای بررسی موضوع و دستیابی به برترین راه حل ممکن بیندیشند و نهایت این که فلک را سقف بشکافند و طرجی نو در اندازند.

هدف کلی پژوهش

- مقایسه میزان تفاوت رشد خلاقیت کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده و ندیده در زمینه خلاقیت، بین کودکان پایه اول ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸

اهداف جزئی پژوهش

- بررسی میزان تفاوت رشد خلاقیت (از نظر مؤلفه اصالت) بین دانش آموزان کلاس اولی تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت، در مقایسه با آنانی که معلمانشان آموزش خلاقیت ندیده اند.

- بررسی میزان تفاوت رشد خلاقیت (از نظر مؤلفه انعطاف پذیری) بین دانش آموزان کلاس اولی تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت، در مقایسه با آنانی که معلمانشان آموزش خلاقیت ندیده اند.

- بررسی میزان تفاوت رشد خلاقیت(از نظر مؤلفه سیالی) بین دانش آموزان کلاس اولی تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت، در مقایسه با آنانی که معلمانشان آموزش خلاقیت ندیده اند.

- بررسی میزان تفاوت رشد خلاقیت(از نظر مؤلفه بسط) بین دانش آموزان کلاس اولی تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت، در مقایسه با آنانی که معلمانشان آموزش خلاقیت ندیده اند.

فرضیه اصلی تحقیق

- میزان رشد خلاقیت کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه رشد خلاقیت، نسبت به کودکانی که معلمانشان آموزش ندیده اند، بیشتر است.

فرضیه های فرعی تحقیق

- میزان رشد خلاقیت(از نظر مؤلفه اصالت) کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت، نسبت به کودکانی که معلمانشان آموزش ندیده اند، بیشتر است.

- میزان رشد خلاقیت(از نظر مؤلفه انعطاف پذیری) کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت، نسبت به کودکانی که معلمانشان آموزش ندیده اند، بیشتر است.

- میزان رشد خلاقیت(از نظر مؤلفه سیالی) کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت، نسبت به کودکانی که معلمانشان آموزش ندیده اند، بیشتر است.

- میزان رشد خلاقیت(از نظر مؤلفه بسط) کودکان تحت تعلیم معلمان آموزش دیده در زمینه خلاقیت، نسبت به کودکانی که معلمانشان آموزش ندیده اند، بیشتر است.

تعاریف نظری و عملیاتی پژوهش

تعریف نظری خلاقیت

هالپرن^۱ (۱۹۸۴) خلاقیت را توانایی شکل دادن به ترکیب تازه ای از نظرات یا ایده ها برای رسیدن به یک نیاز و تحقق یک هدف می داند (به نقل از عصاره، ۱۳۸۶).

تعریف نظری مؤلفه ی اصالت :

توانایی تفکر با شیوه ی غیرمتداول و خلاف عادت رایج، اصالت، مبتنی بر ارائه جواب های غیرمعمول، تعجب آور و زیرکانه به مسائل اسرت (به نقل از حسینی، ۱۳۸۲).

تعریف نظری مؤلفه ی انعطاف پذیری :

توانایی تفکر با راه های مختلف برای حل مسئله جدید است. تفکر قابل انعطاف، الگوهای جدیدی برای اندیشیدن طراحی می کند (به نقل از حسینی، ۱۳۸۲).

تعریف نظری مؤلفه ی سیالی :

سیالی یا روانی به این معنا است که فرد باید بتواند ایده های فراوانی را در مورد یک موضوع، طرح نماید. در تمرینات خلاق، هر جا ما به دنبال بالا بردن تعداد ایده ها، واژه ها، راه حل ها، علل، کاربردهای معمول و غیر معمول هستیم، فعالیت های ما در راستای افزایش مؤلفه ی سیالی می باشد (احراری و دیگران، ۱۳۸۶).

تعریف نظری مؤلفه ی بسط:

بسط یعنی توجه هر چه بیشتر به جزئیات موضوع. در حالت بسط فرد معمولاً به جزئیاتی که به طور معمول پیش افتاده یا بدیهی تصور می شوند، توجه می کند و آن را از جهات مختلف بررسی می نماید (زمانی و دیگران، ۱۳۸۳).

تعریف عملیاتی خلاقیت

منظور از تعریف عملیاتی خلاقیت در این پژوهش، نمره ای است که فرد در فرم ب آزمون تصویری خلاقیت تورنس از چهار مؤلفه ی اصالت، انعطافی پذیری، سیالی و بسط کسب می کند.

تعریف عملیاتی پرورش خلاقیت :

" پرورش خلاقیت، شکوفا کردن توانایی های خلاق دانش آموزان، توانایی حل مسأله در موقعیت های جدید، ارائه پاسخ های نو و بدیع و فعال نمودن آنها در امر یادگیری است" (شعاری نژاد، ۱۳۷۲).

تعریف عملیاتی معلمان آموزش دیده

معلمانی که به میزان ۲۴ ساعت تحت آموزش خلاقیت قرار می گیرند.

تعریف عملیاتی دوره ابتدایی :

^۱ Halpern

بر اساس آیین نامه اجرایی مدارس ، مصوب شورای ۱۳۷۹، دبستان عبارت است از واحدی تربیتی که آن را وزارت آموزش و پرورش تأسیس می کند. (آقازاده ، ۱۳۸۳).

تعریف عملیاتی دانش آموز کلاس اول : بر اساس آیین نامه اجرایی مدارس ، مصوب شورای ۱۳۷۹، دانش آموزانی که در اول مهر ، شش سال تمام داشته باشند ، دانش آموز پایه اول مدارس ابتدایی محسوب شده و می توانند در مدرسه ابتدایی ثبت نام و به مدت ۵ سال در آن تحصیل کنند(آقازاده ، ۱۳۸۳).

تعریف عملیاتی معلم دوره ابتدایی :

معلم دوره ابتدایی ، شخصی است که به امر آموزش و پرورش دانش آموزان در دوره عمومی آموزش ، یعنی دوره ابتدایی ، مشغول باشد(صافی ، ۱۳۷۸).

فصل دوم

ادبیات و پیشینه پژوهش

مقدمه

"سؤالی که مطرح می شود این است که چه کسی به خلاقیت علاقه مند است؟ و پاسخ من این است که عملاً همه به آن علاقه مندند. این علاقه دیگر فقط مختص به روان شناسان و روان پزشکان نیست. اکنون این تبدیل به سؤالی خط مشی ساز در سطح ملی و هم چنین بین المللی شده است. آبراهام مازلو^۱ (به نقل از الینیکف^۲، ترجمه شیخ زاده، ۱۳۸۵).

خلاقیت در ایران پدیده نسبتاً نوظهوری است که به ویژه در سال های اخیر مورد توجه خاص پژوهشگران و برنامه ریزان قرار گرفته است و طبیعی است که در دنیای شتابنده و پر تغییر امروز، حل مسائل نو، راه حل ها و ایده های نو می طلبد و راه حل های دیروز، اگرچه تجربه ای گرانقدر و ارج نهادنی است، پاسخگوی همه معضلات و وقایع غیر قابل پیش بینی عصر حاضر نخواهد بود و در این میان پرورش افراد نو اندیش که با نگاهی متفاوت و زاویه دیدی وسیع تر از اسلاف، به ارائه راهکار بپردازند، دغدغه ای است که همین امروز باید بدان پرداخت و بدیهی است که این امر اهتمام همه پژوهشگران، اندیشمندان، مسئولین و برنامه ریزان را می طلبد و از آنجا که آموزش و پرورش بیش از هر نهادی، بستر تعلیم و تعلم آینده سرایان این مرز و بوم است، در رویکرد خلاقیتی بایستی سکان دار عرصه نواندیشی باشد و نوع نگرش معلم به عنوان پرچم دار اصلی این صحنه؛ به دلیل ارتباط تنگاتنگ و بلا فصل با خیل عظیم سرمایه های انسانی این نهاد، در مقوله خلاقیت تعیین کننده و قابل تأمل است. پژوهش ها نشان می دهد که "کارآمدترین استراتژی برای ایجاد امنیت پایدار و تأمین آینده بلند مدت، سرمایه گذاری در آموزش و پرورش است" (پریموراک^۳، ۲۰۰۸).

1. Abraham Maslow
 2. Andrei G. Aleinikov
 3. Dragan, Primorac